



تحول نظام بانکی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

دولت قرار است امسال پس از اجرای اصلاح قیمت‌ها به سراغ اجرای سایر محورهای هفت‌گانه طرح تحول اقتصادی برود.

جام جم آنلاین: اشاره: دولت قرار است امسال پس از اجرای اصلاح قیمت‌ها به سراغ اجرای سایر محورهای هفت‌گانه طرح تحول اقتصادی برود. ظاهراً اصلاح نظام بانکی در نوبت بعدی قرار دارد. حجت‌الاسلام سیدعباس موسویان، پژوهشگر بانکداری اسلامی در حوزه علمیه قم این فرصت را برای اسلامی کردن نظام بانکی و قرار دادن آن در چارچوب معیارها و موازین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بسیار مناسب می‌داند. بویژه آن که برنامه پنجم توسعه نیز زیرساخت‌های قانونی مناسبی را برای آغاز حرکت تدارک دیده است.

به اعتقاد موسویان باید 5 اصل اسلامی ممنوعیت «اکل مال بباطل» ممنوعیت ضرر و ضرار «ممنوعیت غرر»، ممنوعیت ربا و حاکمیت سوده‌های عادلانه را به عنوان نخستین گام در اصلاح نظام بانکداری کشور زنده کرد و آنگاه به سراغ تطبیق آن با نیازهای روز رفت. این گفت‌وگو به طور جزئی و مصداقی دریچه‌ای به نظام بانکی مطلوب اسلام می‌گشاید که البته می‌تواند قابل نقد و حاشیه نیز باشد.

جایگاه بانکداری در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که رهبر معظم انقلاب طرح کرده‌اند، چیست؟

بحثی که از طرف رهبر معظم انقلاب به عنوان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مطرح شد، بحث گسترده‌ای است که به دنبال پیدا کردن يك الگوی جامع و فراگیر نسبت به همه عرصه‌های زندگی مادی، معنوی و اجتماعی افرادی است که در جامعه کنونی ایران زندگی می‌کنند، حتی فراتر از مسلمان‌ها، چون در چنین الگویی جایگاه سایر مذاهب و ادیان نیز دیده می‌شود. یکی از ابعاد اصلی الگوی پیشرفت، زوایای اقتصادی آن است که باید در سازگاری کامل با آن الگوی جامع باشد. نظام اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و متناسب با شرایط اقتصادی امروز ایران از زیرنظام‌های متعدد تشکیل شده است. یکی از این زیرنظام‌ها که می‌تواند نقش مهم و تاثیرگذاری بر اقتصاد داشته باشد نظام بانکی است. ما باید نظام بانکی‌ای داشته باشیم که بتواند در چارچوب و اهداف مدل ایرانی - اسلامی پیشرفت کار کرده و سرمایه‌ها را متناسب با آن مدل به حرکت درآورد. بر این اساس ضرورت دارد اندیشمندان و متفکرین با استفاده از اصول و مبانی‌ای که در شریعت اسلام وجود دارد و با استفاده از متغیرهایی که امروزه در اقتصاد ایران همت مدلی از نظام بانکی مبتنی بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را ارائه دهند.

ظاهراً شما یکی از افرادی هستید که مدلی در این زمینه ارائه داده‌اید. ویژگی‌های این مدل چیست؟

این مدل برخاسته از آموزه‌های اسلام از يك طرف، شرایط اقتصادی ایران در عرصه بازار پول و بانکداری از طرف دیگر است. با لحاظ این دو نتیجه گرفتیم بانکداری ما باید به گونه‌ای متحول شود که هم مبتنی بر آموزه‌های اسلام در بخش اقتصادیات و هم مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی امروز ایران باشد؛ بنابراین ما اصل بانک را مفروض گرفتیم. بعد دیدیم اگر این بانک بخواهد براساس اصول شریعت طراحی شود باید چه ویژگی‌ها، اصول و ضوابطی در آن لحاظ شود تا بتوان اسم آن را بانک اسلامی گذاشت. از طرف دیگر اگر این بانک اسلامی بخواهد در کشوری مثل ایران کارآمد عمل کند باید منطبق با شرایط اقتصادی امروز کشور متناسب با نیازها، آرمان‌ها و فرآیندها توسعه امروزی ایران باشد و بر این اساس، مشخصه‌ها و متغیرهای فعلی اقتصاد ایران را در عرصه پول و بانکی را هم مشخص کرده‌اند و در نهایت با استفاده از این دو، مدلی برای بانکداری جدید ایران ارائه دادیم.

براساس مدل شما سیستم فعلی بانکداری چگونه باید تغییر کند که به بانک آرمانی مورد نظر تبدیل شود؟

حدود بیست و چند سال پیش وقتی قانون عملیات بانکی بدون ربا تصویب می‌شد، اولین گام به سمت اسلامی شدن بانک‌ها برداشته شد و آن بحث حذف ربا از سیستم بانکداری است، اما بانکداری اسلامی در اینجا خلاصه نمی‌شود، یعنی علاوه بر حذف ربا که يك گام اساسی محسوب می‌شود باید تغییر و تحولات دیگری هم در نظام بانکی رخ دهد تا بتوانیم اسم نظام بانکی را بانکداری اسلامی بگذاریم. بدین منظور در تحقیقی که انجام شد، نشان دادم از دیدگاه اسلام چه اصول و ضوابطی در بخش پولی و مالی باید حاکم باشد که بتوانیم بگوئیم فعالیت‌ها و معاملات موسسه به نام بانک مطابق اسلام است یا خیر. از جهت کارایی و کارآمدی هم باید چه اصول و ضوابطی را رعایت کند که بگوئیم مطابق با وضعیت کنونی اقتصاد ایران است. در بعد اسلامی‌اش روی چند اصل اساسی که از قرآن و روایات به دست می‌آید، تاکید دارم. در مطالعات اسلامی می‌توان چند ضابطه را به عنوان ضوابط يك بانک اسلامی نام برد. مهم‌ترین آنها قاعده ممنوعیت «اکل مال بباطل است» قرآن در آیات متعدد بشریت و مسلمان‌ها را از این که در اموال یکدیگر

به روش‌های باطل تصرف کنند، نهی می‌کند. مهم‌ترین و گویاترین آیه در این باره آیه 29 سوره نساء است که می‌فرماید: یا ایهاالذین آمنوا لاتاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا آن تکون تجاره ان تراض منکم: یعنی نباید روابط تجاری و مالی بین افراد جامعه به روش‌های باطل باشد باید به سبک‌های تجاری و از روی رضایت صورت بگیرد.

بنابراین یک نظام بانکی و یک بانک اسلامی در درجه اول باید ببیند شیوه‌ها، ابزارها و روش‌های معاملاتی و قراردادهایی که بسته می‌شود آیا از نوع قرارداد صحیح تجاری محسوب می‌شود یا از نوع باطل.

فقها به طور مفصل ضوابط معاملات باطل و معاملات صحیح و حق را توضیح دادند. وقتی من می‌خواهم در اموال کسی تصرف کنم اگر متناسب با مالی که به دست من می‌رسد، مال باارزشی از من به آن شخص منتقل شود، می‌گوییم این قرارداد ما به ازای مالی دارد و حق است. اما اگر ببینیم یک دارایی از یک طرف به طرف دیگر منتقل می‌شود اما در مقابلش چیز باارزشی به آن طرف منتقل نمی‌شود، این از دید عرف و عقلا ناحق شمرده می‌شود. مطابق این آیه هر نوع قرارداد که منشأ عقلایی ندارد مانند قراردادهای ربوی، قمار، معاملاتی که براساس دروغ، سوگند، زیبا نشان دادن، (در حالی که پشت پرده خبری از این زیبایی نیست) و غیره از مصادیق #171 «اکل مال باطل» محسوب می‌شود. بنابراین یک بانک اسلامی باید ابزارها و شیوه‌های قراردادی را به گونه‌ای طراحی و تنظیم کند که دقیقاً وقتی امکاناتی از بانک به مشتری منتقل می‌شود از آن طرف هم مالی به بانک منتقل شود و بالعکس.

و ضابطه بعدی؟

ضابطه دوم که از آیات و روایات برای یک بانک اسلامی قابل استخراج است، بحث ممنوعیت #171 «ضرر و ضرار» است. مطابق آیات قرآن و روایات در جامعه اسلامی روابط اقتصادی و قراردادها باید به گونه‌ای طراحی شود که نه طرفین قرارداد از معامله متضرر شوند و نه جامعه از چنین قراردادی متضرر گردد. ممکن است وقتی یک قرارداد بسته می‌شود برای دوطرف سود داشته باشد، اما گروهی از افراد جامعه بر اثر این قرارداد متضرر شوند. اسلام قراردادهایی را که منجر به ضرر و ضرار می‌شود چه برای طرفین قرارداد در روابط اقتصادی و چه برای افراد دیگری که طرفین قرارداد نیستند اما از افراد جامعه هستند را مطلقاً نهی می‌کند. برای مثال اگر بنده با جنابعالی قراردادی ببندم که موجب تخریب محیط‌زیست یا موجب فلاکت گروهی از انسان‌ها شود، مثل قاچاق مواد مخدر چنین قراردادهایی از نظر ضوابط اسلامی، ضرری و ضراری بوده و ممنوع است. لذا قراردادهای یک بانک اسلامی باید به گونه‌ای باشد که در راستای تولید، اشتغال، ایجاد درآمد و سلامت اقتصادی جامعه باشد. در واقع فرق یک بانک اسلامی با یک بانک ربوی در این است که در بانکداری ربوی کاری ندارند که این منابع در کجا مصرف می‌شود و آیا این فعالیت اقتصادی مفید و مولد است و ایجاد ارزش افزوده می‌کند یا نه. بانکدار ربوی دنبال این است که تسهیلاتی بپردازد و در برابر، بهره‌ای هم بگیرد.

اما به این که چنین منابعی در چه جایی مصرف می‌شود کاری ندارد. درست در نقطه مقابل، یک بانک اسلامی باید موضوع قرارداد را احراز کند. ببیند آیا موضوع قرارداد جزو موضوعات مشروع، صحیح و عقلایی است یا نه.

موضوع ابهام و شیوه اجرای قراردادهای بانکی هم در این راستا مطرح می‌شود؟

خیر. این موضوع ضابطه دیگری است که اتفاقاً اسلام روی آن تأکید دارد و معاملات بانکی خودش را نشان می‌دهد.

این قاعده بحث ممنوعیت #171 «غرر» است. غرر به معنای ابهام در قراردادها و جهالت در آنهاست. اسلام به دنبال این است که در فضای روابط اقتصادی، معاملات و شیوه‌های استفاده از اموال کاملاً شفاف، روان و گویا باشد. به گونه‌ای که طرفین قرارداد و سایر افرادی که در معرض این قرارداد مالی هستند از حق و حقوق خود به صورت شفاف مطلع باشند. به همین جهت است که در اسلام قراردادهایی که ارکان آن مبهم است، باطل محسوب می‌شود. یعنی مثلاً اگر من کالایی را بخرم و ندانم جنس کالا از چیست، دست‌اول است یا دست‌دوم، مقدارش چقدر است، کجا تحویل داده می‌شود، کیفیت و زمان تحویل آن چگونه است و مانند اینها، اگر این‌گونه مسائل مبهم باشد به این معاملات غرری می‌گوییم و باطل است.

قانون بانکداری بدون ربا سال 62 با فاصله 5 سال از پیروزی انقلاب و در شرایطی که اقتصاد ما یک اقتصاد جنگی بود تصویب شد و قرار بود این قانون 5 سال به صورت آزمایشی اجرا شود اما الان آن 5 سال به 27 سال تبدیل شده و هنوز هیچ تغییراتی در آن ایجاد نشده است

از دید اسلام معاملات یک بانک اسلامی باید از ابعاد مختلف مانند زمان، مکان، کیفیت، مبلغ، سود، نرخ‌ها و غیره شفاف و روشن باشد به گونه‌ای که طرفین قرارداد (بویژه مشتریان بانک) دقیق بدانند چه می‌گیرند و باید چه چیزی به بانک برگردانند.

ضابطه بعدی در بحث ویژگی‌های بانک اسلامی، ممنوعیت رباست، به طوری که یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های اسلام با سایر مکاتب را در همین جا می‌بینیم. امروزه مکاتب سرمایه‌داری و شبه‌سرمایه‌داری آمیخته به ربا هستند و هر نوع فعالیت اقتصادی را که مشاهده می‌کنید، یک پایش به مباحث ربا، بهره، اوراق قرضه، وام بانکی و اعتبارات بانکی و امثال اینها بند است. در حالی که در اسلام، طبق آیات و روایات ربا با شدت تمام تحریم شده است. لذا ما نمی‌توانیم بانکی را طراحی کنیم که براساس قراردادهای ربوی کار کند.

در بحث ربا نکته مهم این است که بسیاری از افراد اصولاً نمی‌دانند ربا چیست و نقش آن در بانکداری کجاست. مثلاً نمی‌دانند سودهای فعلی بانکی همسان رباست یا خیر.

این بحث بسیار مهمی است و باید به سمت شناخت ربا و ماهیت آن برویم. در طول تاریخ همیشه در این مورد افراط و تفریط‌های زیادی شده است. برخی مواقع بعضی از افراد به جهت احتیاط‌های بیش از اندازه بسیاری از معاملات حلال را هم به اتهام ربا ممنوع کردند. در نقطه مقابل هم گاهی تفریط شده و خیلی از حیل‌هایی که ظاهری متفاوت با ربا دارد به عناوین مختلف مثل خرید و فروش و اجاره و شرکت و غیره حلال داشته و از شمول ربا خارج شده است. در اینجا ما باید به عنوان طراح بانکداری اسلامی و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ربا را کامل و مطابق با آنچه در شریعت اسلام آمده شناسایی، قراردادهای مبتنی بر ربا را در سیستم بانکی فعلی مان تحریم و قراردادهایی که از دیدگاه اسلام مجاز هستند را آزاد اعلام کنیم.

با این حال به ماهیت ربا اشاره نکردید.

برای فهم ماهیت ربا باید به ماهیت ضابطه نرخ‌ها و قیمت‌ها که سود بانکی در چارچوب آن تعریف می‌شود، پرداخت. یکی از مهم‌ترین ضوابطی که می‌توان یک بانک اسلامی را شناخت، ضابطه نرخ‌ها و قیمت‌هاست. نرخ‌های بانکی باید عادلانه باشد چه نرخ سود سپرده‌ها، چه نرخ سود تسهیلات و چه نرخ سودی که برای خود بانک می‌ماند. با توجه به این که بانک یک موسسه واسطه است، یعنی از یک طرف منابع را جمع می‌کند و به آنها سود می‌پردازد و از طرف دیگر این منابع را در قالب تسهیلات بانکی در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد و از آنها سود می‌گیرد و خودش از مابه‌التفاوت این دو سود، سود می‌برد، این سودها باید براساس موازین و معیارهای شرعی تحصیل شود. از دیدگاه اسلام هر عاملی که نقشی در ایجاد ارزش افزوده دارد به همان اندازه از سود، حق سهم بر می‌دارد و اینجا می‌توانید به ماهیت ربا پی ببرید. به عنوان مثال وقتی یک کارخانه مواد اولیه را می‌گیرد و نیروی کار و ماشین‌آلات رویش کار می‌کند تا محصولی به وجود می‌آید و آن محصول به قیمت مشخصی فروخته می‌شود، درآمدی که از محل فروش این محصول به وجود می‌آید، متاثر از عوامل مختلف است. از دیدگاه اسلام هر یک از این عوامل به تناسب نقشی که در ایجاد آن ارزش افزوده داشته، از درآمد حاصل هم سهم دارند و باید به آنها سهمی داده شود. در یک نظام بانکی اسلامی هم بانک سپرده‌ها را از بین اقشار مختلف جمع‌آوری و طبقه‌بندی می‌کند و در اختیار فعالان اقتصادی قرار می‌دهد. فعالان اقتصادی با استفاده از این سرمایه‌ها انواع فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی، خدماتی، مسکن، معدنی و مانند اینها را انجام می‌دهند و ارزش افزوده‌ای به وجود می‌آید. قطعا بخشی از این ارزش افزوده محصول همین سرمایه‌های نقدی است که از طریق سیستم بانکی به دست فعالان اقتصادی رسیده است و لذا باید بخشی از این درآمد از طریق سیستم بانکی به سپرده‌گذاران برسد.

یکی از ضوابط بانکداری اسلامی این است که نرخ‌های سود سپرده باید گویای ارزش افزوده حاصل از مصرف آن باشد و حال برای رسیدن به ارزش افزوده منطق اسلام منطق عرضه و تقاضا و بازار است که می‌گوید باید عوامل و نهادهای اقتصادی در بازار عرضه شود و از آن طرف هم سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی متناسب با نیازی که نسبت به این نهادهای دارند آن را تقاضا کنند.

در نتیجه بر اثر این عرضه و تقاضا هر یک از این عوامل اقتصادی ارزش خود را پیدا می‌کنند. لذا باید نرخ‌های مختلف خدمات یک بانک اسلامی، نرخ‌های برخاسته از اقتصاد واقعی و بازار باشد. حتی اگر در شرایط خاصی، دولت، بانک مرکزی یا نهاد سیاستگذار خواست قیمت تعیین کند این قیمت باید در راستای کشف قیمت بازار باشد، نه این که خودش قیمتی را تکلیف یا دیکته کند.

اگر ما این ضوابط را رعایت کنیم و 5 اصل ممنوعیت اکل مال بباطل، ممنوعیت ضرر و ضرار، ممنوعیت غرر، ممنوعیت ربا و حاکمیت سودهای عادلانه، در نظام بانکی جدید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت لحاظ شود، بانکی که تشکیل می‌شود، براساس آموزه‌های اسلامی خواهد بود. لذا اگر بخواهیم بانکداری‌مان اصلاح شود باید این 5 اصل در آن پیاده شود.

حال سوال این است که بانک اسلامی چگونه باید خود را با شرایط خاص اقتصاد ایران تطبیق دهد.

روشن است یک بانک اگر بخواهد موفق شود گذشته از آن که باید ضوابط اسلامی را رعایت کند و مشروعیت داشته باشد باید جنبه‌های اقتصاد امروز ایران را هم رعایت کند تا بتواند کارآمد و کارا باشد. بدین منظور اولاً باید خود بانک را به عنوان بنگاه واسطه مالی خوب بشناسیم. ثانياً مشتریان بانک را نیز بشناسیم که از سه گروه عمده تشکیل شده‌اند. بانک یک بنگاه واسطه مالی است که از یک طرف با گروهی از مردم به نام سپرده‌گذاران مواجه است که با اهداف و انگیزه‌های مختلف اقدام به سپرده‌گذاری می‌کنند. یعنی

هم اهدافشان متفاوت است و هم سلیقه‌هایشان.

اما در طرف دیگر با متقاضیان تسهیلات بانکی مواجه هستیم که می‌خواهند از منابع بانکی استفاده کنند. آنها هم اهداف و سلیقه‌های مختلف دارند.

گروه سوم متقاضیان خدمات بانکی هستند. باید این محصولات و خدمات طوری متناسب با اقتصاد امروز در اختیار متقاضیان قرار گیرد که با اهداف و سلیقه‌های آنها هم تناسب داشته باشد. لذا اگر ما بخواهیم یک بانک را کارا و کارآمد در نظر بگیریم باید بتواند این سه گروه را هم از جهت اهداف و هم از جهت سلیقه‌ها پوشش دهد. لذا ما باید تحلیل کنیم. ببینیم مثلا در بخش سپرده‌ها با چه اهداف و انگیزه‌ها و سلیقه‌هایی در بین مردم مواجه هستیم تا یک نظام بانکی بتواند آنها را بخوبی پوشش دهد. برای این منظور حتما باید یک تحلیل روانشناختی و اقتصادی از سپرده‌گذاران داشته باشیم. در جامعه‌ای مثل ایران می‌بینیم که افراد با انگیزه‌ها و اهداف مختلف سراغ بانک می‌آیند. بعضی افراد یا بنگاه‌های اقتصادی هستند که عمدتاً برای تأمین گردش مالی سراغ بانک می‌آیند یا گروهی دیگر می‌خواهند درآمدها و پرداخت‌هایشان سامان داده شود یا می‌خواهند صرفاً حسابی داشته باشند که درآمدهایشان به آنجا واریز شود و مخارجشان هم به راحتی و سهولت و با دقت و سرعت کارسازی شود. یک نظام بانکی باید با روش‌های مختلف مثل حساب سپرده جاری بتواند به این فعالان سرویس دهد.

بعضی از افراد هستند که قصدشان ساماندهی مالی از طریق بانک نیست، بلکه قصدشان حفظ و نگهداری است. وجوهی دارند و درآمدهایشان ماه به ماه یا مثل یک کشاورز 6 ماه به 6 ماه یا سالانه است. اما از آن طرف مخارجشان بر اساس روال خاصی است. برای این که بتوانند بین درآمدها و هزینه‌هایشان هماهنگی به وجود آورند به دنبال این هستند که یک جای امن داشته باشند تا منابع و درآمدهایشان را در آنجا ذخیره کنند و هر وقت لازم شد به آسان‌ترین شکل امکان برداشت داشته باشند. گروه دیگر هم افرادی هستند که به قصد کار نیک و خیر در بانک سپرده‌گذاری می‌کنند. وجوه مازادی دارند که فعلاً لازم ندارند و می‌بینند در جامعه افراد و بنگاه‌های زیادی هستند که به منابع مالی احتیاج دارند.

بعضی افراد هم هستند که به قصد کسب سود مادی به بانک مراجعه می‌کنند. سرمایه‌ای در اختیار دارند و به دلایلی خودشان نمی‌توانند با این سرمایه کار کنند و لذا می‌خواهند این سرمایه در اختیار بانک باشد تا بانک با آن سرمایه کار کند و خود مبلغی بردارد و مبلغی هم به آنها بدهد. وقتی ما انگیزه‌های این افراد را تحلیل می‌کنیم، می‌بینیم به چند گروه تقسیم می‌شوند. بعضی‌ها در عین حال که دنبال سود هستند، حاضر به پذیرش ریسک سرمایه‌گذاری هم هستند یعنی حاضرند در مواردی سرمایه‌گذاری کنند که سود خوبی داشته باشد ولو این که با ریسک همراه باشد. اما گروهی درست در نقطه مقابل اینها، ریسک‌پذیر نیستند. معتقدند سود کم باشد اما بدون ریسک باشد. بعضی از افراد هم اصطلاحاً افراد نرمال هستند. درجاتی از ریسک را می‌پذیرند اما وقتی ریسک خیلی بالا برود حاضر به همکاری نیستند. یک نظام بانکی معقول در چارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اگر بخواهد در اقتصاد ایران موفق عمل کند، گذشته از جنبه‌های شرعی و اسلامی که باید رعایت کند، باید به این بخش از سپرده‌ها و روان‌شناسی سپرده‌گذاران هم توجه داشته باشد تا بتواند ابزارها و شیوه‌های مناسب را طراحی کند و گرنه از قافله عقب می‌ماند.

البته روان‌شناسی متقاضیان تسهیلات نیز نقش بسزایی در سودآوری بانک دارد.

بله. اگر انگیزه‌ها و ترکیب متقاضیان تسهیلات بانکی را نیز خوب تحلیل کنیم، می‌بینیم به سه گروه تقسیم می‌شوند. بخش اول خانوارها هستند که برای رفع نیاز مصرفی خود به پول، سراغ بانک می‌آیند. بخش دوم، بنگاه‌های اقتصادی هستند که به جهت تأمین مالی، تأمین سرمایه در گردش، خرید تجهیزات، ماشین‌آلات، مواد اولیه، استخدام نیروی کار و امثال اینها سراغ بانک می‌آیند و گروه سوم دولت‌ها و موسسات وابسته به دولت هستند که به دلیل تأمین مالی طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی سراغ بانک می‌آیند. به طور طبیعی یک بانک اسلامی، امروزی و کارآمد باید بتواند همه این نیازها را خوب تبیین کند، چون یک خانوار چند نوع نیاز بانکی دارد و باید متناسب با آنها شیوه‌ها و ابزارهای خودش را طراحی کند یا باید بررسی کرد که یک بنگاه اقتصادی چه نوع نیازهایی دارد و همین طور دولت و موسسات و شرکت‌های وابسته به دولت چه نوع نیازهایی دارند. اگر این اصول در کنار اصول شرعی رعایت شود، ما به یک مدل رسیده‌ایم که هم جنبه‌های اسلامی در آن دیده شده و هم جنبه‌های اقتصادی امروز ایرانی.

برای پیاده‌سازی این الگوهای جدید چه تغییراتی باید در نظام بانکی ما ایجاد شود؟

برای این که نظام بانکی‌مان به این ایده نزدیک شود باید چند تغییر و تحول در آن به وجود آید. اولین و شاید پایه‌ای و ریشه‌ای‌ترین بحث، قانون عملیات بانکی بدون ربا و قانون پولی - بانکی است. ما هم‌اکنون 3 قانون در عرصه بانکداری داریم. یکی قانون پولی - بانکی مصوب سال 1351 است، بعلاوه قانون عملیات بانکی بدون ربا را داریم که مصوب سال 1362 است و سرانجام قانون نحوه اداره بانک‌ها که مربوط به قبل از انقلاب است. می‌بینید که جدیدترین قانون موجود در عرصه بانکداری مربوط به سال 1362 است که الان حدود 27 سال از تدوین آن می‌گذرد. در همین حال در عرصه اقتصاد، یکی از متحول‌شده‌ترین بخش‌ها، بخش بانکی است. لذا

ما نمی‌توانیم با قانونی که 27 سال از عمرش می‌گذرد، یک بانک کارآمد داشته باشیم. پس اولین گام این است که باید قانون بانکداری ما به‌روز یعنی اصلاح و تکمیل شود. به‌روز شدن آن نیز باید از 2 بعد صورت بگیرد؛ یکی از جهت مبانی اسلامی است و دیگری از جهت تطابق با واقعیت‌های اقتصادی امروز کشور.

من به عنوان نمونه آخرین قانون یعنی قانون بانکداری بدون ربا را توضیح می‌دهم تا روشن شود چقدر نیاز به اصلاح قوانین در بخش بانکداری داریم. در سال 1362 با فاصله 5 سال از پیروزی انقلاب و در شرایطی که اقتصاد ما یک اقتصاد جنگی بود، قانون بانکداری بدون ربا تصویب شد که این قانون هم از شرایط اول انقلاب و هم از ماهیت اقتصاد دولتی که به خاطر شرایط جنگ بر اقتصاد تحمیل شده بود، متأثر شد.

مطالعات بانکداری اسلامی در سال 62 سال‌های نخستین خود را سپری می‌کرد، یعنی بانکداری اسلامی تازه مطرح شده بود و در ایران هم تأثیر داشت روی آن مطالعه صورت می‌گرفت و این مطالعات جوان بود.

بنابراین قانون مذکور از 3 جهت کاستی دارد. مطالعات بانکداری اسلامی، اندازه‌ای که امروز به بلوغ و رشد رسیده، نرسیده بود و لذا در آن مطرح نشده بود. شرایط اقتصادی کشور، شرایط جنگی بود و اقتصاد دولتی بر کشور حاکم بود و در این شرایط، قانون عملیات بانکی بدون ربا با یک شرط مهم تصویب شد. در مجلس پیش‌بینی کردند که این قانون 5 سال به صورت آزمایشی اجرا شود تا در این مدت اشکالات کار دیده شود و بعد یک قانون جامع و ماندگار پیشنهاد گردد؛ اما الان آن 5 سال به 27 سال تبدیل شده و هنوز هیچ تغییری در آن قانون ایجاد نشده است.

الان این قانون در بخش سپرده‌های بانکی، تسهیلات بانکی، خدمات بانکی، ابزارهای سیاست پولی و غیره نواقص زیادی دارد که این نواقص باید تکمیل و قانون اصلاح شود. این اولین و اساسی‌ترین گام است.

و گام دوم؟

گام دوم، اصلاح الگوی عملیاتی بانکداری بدون رباست. در الگوی عملیاتی باید متناسب با شرایط اقتصادی روز جامعه، انواعی از بانک‌ها را طراحی کنیم.

امروزه با یک نوع بانک همه نیازهای کشور پوشش داده نمی‌شود. ما باید در نظام بانکی مان گونه‌های مختلف از بانک‌ها را با ویژگی‌ها و کارکردهای خاص خود داشته باشیم. علتش هم این است که ما با سپرده‌گذاران و درخواست‌کنندگان تسهیلات مختلفی مواجه هستیم و اگر یک بانک بخواهد همه اینها را تحت پوشش قرار دهد، از جهت اقتصادی هزینه فایده دربر نخواهد داشت.

لذا ما در کنار بانک‌های خرد که دنبال پوشش نیاز خانوارها و بنگاه‌های خرد اقتصادی هستند، باید بانک‌هایی طراحی کنیم که به پوشش نیازهای توسعه‌ای مشغول شوند.

مطالعات تجربی بانکداری نشان داده کشوری که بتواند گونه‌های مختلفی از بانک را شکل دهد و مأموریت‌های مختلف توسط بانک‌های گوناگون پوشش داده شوند، خیلی موفق‌تر است.

ما در کشورمان با نیازهای غیرانتفاعی مواجه هستیم هم در بخش سپرده‌ها و هم در بخش تسهیلات. در بخش سپرده‌ها، افراد خیری هستند که می‌خواهند منابع‌شان به دیگران قرض‌الحسنه داده شود و انتظار سود و امتیازی هم ندارند.

در نقطه مقابل ما نیازهای قرض‌الحسنه داریم. بخشی از افراد و خانوارها و فعالان اقتصادی نمی‌توانند سود بپردازند و همزمان دنبال تامین سرمایه هم هستند. برای سامان دادن به این سپرده‌ها و نیازها می‌توانیم بانک‌های قرض‌الحسنه را طراحی کنیم مانند بانک قرض‌الحسنه مهر ایران که می‌تواند توسعه پیدا کند.

در مدل بانکداری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت خودتان پیش‌بینی چند نوع بانک شده است؟

ما در این مدل به 4 نوع و گروه بانک رسیدیم. نوع اول که همان بانک‌های قرض‌الحسنه هستند. نوع دوم بانک‌های تجاری هستند که از یک طرف سپرده‌های اشخاصی را که به دنبال دریافت سود هستند و می‌خواهند از منابع خودشان سود به دست آورند را هدف قرار می‌دهد و از طرف دیگر بنگاه‌های اقتصادی که با کسری منابع مواجهند و مثلاً نمی‌توانند مواد اولیه را خریداری کنند و برای پیشبرد امورات خود احتیاج به سرمایه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت دارند را جذب می‌کنند. روشن است برای تامین گردش مالی این بنگاه‌ها بانک‌هایی لازم داریم که تسهیلات میان‌مدت و کوتاه‌مدت پرداخت کنند تا بنگاه‌های فعال بتوانند در کارترین حالت فعالیت کنند. در

نوع سوم نیاز به یک سری بانک‌های سرمایه‌گذار، توسعه‌ای و تخصصی داریم تا عرصه‌های مختلف احداث، راه‌اندازی و توسعه بنگاه‌های جدید اقتصادی را در برنامه کاری‌شان داشته باشند. به عنوان مثال در تاسیس کارخانه خودروسازی، سیمان، آهن، پالایشگاه، انبوه‌سازی مسکن، راهسازی و اتوبان‌سازی و سرمایه‌گذاری‌های کلان و بلندمدت که نقش توسعه اقتصادی دارند، نقشی ایفا کنند.

نوع چهارم بانک‌هایی به نام بانک‌های جامع هستند که می‌توانند در درون خود سه نوع موسسه جزء شامل قرض‌الحسنه‌ای، تجاری و توسعه‌ای را همزمان داشته باشند و این سه مجموعه به شکل holding با هم رهبری شود.

بنابر این قدم دوم در رسیدن به بانکداری مناسب با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت این است که ما الگوی عملیاتی بانکداری‌مان را یک گام پیش ببریم و به بانکداری حرفه‌ای تبدیل کنیم. امروزه بانکداری ما بانکداری سنتی است در حالی که الان بحث تقسیم کار جزو الفبای بانکداری حرفه‌ای است. حتی بانکداری ربوی را هم که مطالعه کنید می‌بینید یک سری بانک‌های خرد دارد که به معاملات خرد می‌پردازند و بانک‌های تجاری و بانک‌های توسعه‌ای هم دارد.

جالب است بدانید ما این 4 نوع بانک را در کشور داریم، اما فعالیت آنها به صورت تعریف شده نیست. یعنی اسمش را داریم مثل بانک‌های تخصصی کشاورزی و صنعت و معدن.

اما کافی نیست. باید بانک‌های تخصصی توسعه‌ای با همان ایده بانک صنعت و معدن در بخش‌های مختلف تاسیس شود و مشتری بدانند برای طرح مورد نظر خود به کجا بروند.

قدم بعدی چیست؟

قدم بعد، اصلاح آیین‌نامه‌ها و مقررات جزئی بانک است. ما همانند خود قانون، آیین‌نامه‌ها و مقرراتی که در نظام بانکی‌مان داریم 15 تا 20 سال پیش تنظیم شده است.

مثل آیین‌نامه فروش اقساطی که متناسب با شرایط آن روز که ما با محدودیت منابع و کمبود منابع بانکی مواجه بودیم تنظیم شده و لذا آن موقع سیاستگذار فروش اقساطی را صرفاً در 2 رشته خودرو و لوازم خانگی محدود کرده است.

در حالی که امروزه نیاز یک خانوار یا بنگاه اقتصادی فراتر از اینهاست. چرا باید فروش اقساطی منحصر به آن دو مورد باشد و نتیجه‌اش هم این شود که مشتری بانک که مثلاً به دنبال خرید مصالح ساختمانی است مجبور باشد فاکتور لوازم خانگی بیاورد و پول را بگیرد و به کسی که فاکتور را صادر کرده یا به کارگزار بانک بی‌جهت پولی بدهد و در نهایت به صورت غیرشرعی پول را صرف خرید مصالح ساختمانی بکند. در حالی که از همان ابتدا می‌توانستیم با اصلاح آیین‌نامه برای خرید مصالح ساختمانی نیز تسهیلات بدهیم.

یا مورد دیگر قرارداد جعاله است. حدود 25 سال پیش قانونگذار این قرارداد را صرفاً برای تعمیر مسکن و خودرو برنامه‌ریزی کرده است. در حالی که جعاله از نظر فقهی و شرعی قابلیت گسترده‌ای دارد و در انواع خدماتی که امروزه لازم دارید می‌توانید از جعاله بانکی استفاده کنید. خدمات بیمارستانی برای عمل جراحی، خدمات آموزشی دانشگاهی مثل هزینه‌های تحصیل در دانشگاه‌ها، بیمه، گمرک، خدمات رستوران، هواپیمایی، خدمات پیمانکاری، ساخت و سازها، فنی و مهندسی و همه و همه این خدمات با عقد جعاله قابل بهره‌برداری هستند اما آیین‌نامه‌ای که 25 سال پیش برای جعاله طراحی شده اکنون دست بانک‌ها را بسته است.

اگر ما 5 اصل ممنوعیت اکل مال بباطل ممنوعیت ضرر و ضرار، ممنوعیت غرر ممنوعیت ربا و حاکمیت سودهای عادلانه را در نظام بانکی جدید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت لحاظ کنیم، بانکی که تشکیل می‌شود براساس آموزه‌های اسلامی خواهد بود

گام دیگر، عادلانه کردن نرخ‌های سود بانکی است. الان ما با افراط و تفریط‌هایی در بحث سود بانکی مواجه هستیم. اگر امروز به بانک‌ها مراجعه کنید با یک سیستم دو نرخ و یک شکاف فاحش مواجه هستید که (بین نرخ رسمی و نرخ واقعی) سود بانکی وجود دارد.

بانک‌ها از یک طرف به جهت آیین‌نامه‌ای که بانک مرکزی ابلاغ کرده ملزم به رعایت نرخ‌های سود خاصی هستند، اما منطق قوی بازار پولی عدم رعایت این نرخ‌ها را دیکته می‌کند.

به نظر من ما باید در مساله نرخ سود بانکی به منطق اسلام و منطق بازار برگردیم یعنی همان #171 عرض و تقاضا. در این راستا دولت و بانک مرکزی باید اهرم‌های فشار را بردارند و بانکداری را بتدریج به سمت عرضه و تقاضا پیش ببرند تا نرخ‌های سود بانکی در

بازار شکل بگیرد. البته بانک مرکزی باید نظارت داشته باشد که احیاناً از فضای آزاد سوءاستفاده شود.

پیش‌بینی این است که اگر ما بتوانیم یک بازار رقابت سالم در عرصه بانکداری داشته باشیم نرخ‌های سود بانکی روی 16-17 درصد مستقر می‌شوند و نرخ 12-13 درصدی رانتهی از بین می‌رود و عده‌ای فرصت‌طلب به آن دسترسی پیدا نمی‌کنند و از سوی دیگر نرخ‌های 25-26 درصدی سنگین عقود مشارکتی می‌شکند و روی 16-17 درصد به وضعیت تعادلی می‌رسند.

بحث تدوین ابزارهای نوین بانکی چه می‌شود؟ چه ابزارهایی باید در این راستا طراحی شود؟

گام دیگر تدوین ابزارهای نوین بانکی است. درست است که ما در بانکداری اسلامی جزو نخستین کشورهایی بودیم که نظام جامع بانکداری اسلامی را مطرح کردیم اما پس از آن از جهت تحقیقات، پژوهش و تجربه کردن ره‌ایش کردیم. در نتیجه می‌بینیم از جهت وجود ابزارهای به‌روز و نوین بانکی خیلی از کشورهای کوچک اسلامی از ما جلوتر هستند.

خوشبختانه قانون برنامه پنجم امکان طراحی ابزارهای جدیدی را به نظام‌های بانکی داده است. مثلاً در بخش سپرده‌ها گونه‌های مختلف مسکوک طراحی شده که اجرای آن خیلی جدی و نزدیک است. مسکوک ابزارهای سپرده‌ای تازه‌ای است که به شکل اوراق بهادار دست مردم قابل خرید و فروش است. یعنی هرکسی در بانک سپرده گذاشت معادل آن اوراقی دریافت و این اوراق قابل خرید و فروش می‌شود. این ابزار باعث می‌شود که اولاً منابع بانک از ثبات بالایی برخوردار شود. چون بانک می‌داند که سپرده‌گذار دیگر به آن صورت برای دریافت سپرده‌اش به بانک مراجعه نمی‌کند چون حتی اگر پول هم لازم داشته باشد در بازار ثانوی از طریق فروش اوراقش پول به دست می‌آورد. لذا بانک با اطمینان بیشتری می‌تواند منابع خود را در فعالیت‌های اقتصادی به کار بگیرد.

از سوی دیگر سپرده‌گذار هم خیالش راحت است که می‌تواند آن اوراق را در فعالیت‌های اقتصادی به کار بگیرد و هر وقت هم پول لازم داشت در بازار ثانوی به فروش رساند و به اصل و سود پولش برسد. در بخش تسهیلات هم سه ابزار جدید شامل قرارداد #171؛ «مراجعه»، قرارداد #171؛ «استصناع» و قرارداد #171؛ «خرید دین» براساس ماده 98 قانون برنامه پنجم به معاملات بانکی اضافه شد.

قرارداد مراجعه چیست؟

مراجعه از ریشه #171؛ «ریح» است به معنای سود و لذا خرید و فروش همراه با سود را مراجعه گویند. یعنی بانک‌ها می‌توانند کالاها و خدمات مورد نیاز مشتریان را به صورت نقد خریداری کنند و به صورت نسبی مدت‌دار به مشتریان بفروشند. در اینجا چون مابه‌التفاوت قیمت به وجود می‌آید هم بانک به هدفش می‌رسد و هم مشتری.

قرارداد مراجعه قرارداد فراگیری است و برخی از بانک‌های اسلامی در دنیا نزدیک به 75 درصد معاملاتشان را براساس این قرارداد انجام می‌دهند. آیین‌نامه قرارداد مراجعه هم‌اکنون در بانک مرکزی در حال آماده‌سازی است و اگر این نوع قرارداد وارد شبکه بانکی شود می‌تواند خیلی از نیازهای مشتریان بانک‌ها را تحت پوشش قرار دهد.

قرارداد استصناع نیز از ریشه صنعت است، به معنای سفارش ساخت. در خیلی موارد مشتری بانک کالای موجود در بازار را نمی‌خواهد بلکه تسهیلاتی برای سفارش ساخت یک کالا از بانک درخواست می‌کند.

ما تاکنون برای این موارد قرارداد بانکی مستقیم نداشتیم و مجبور بودیم از قراردادهای جعاله و مشارکت مدنی با مقداری دستکاری استفاده کنیم که گاهی باعث صوری شدن قراردادهای می‌شود. تصویب قرارداد استصناع این امکان را به بانک‌ها می‌دهد که بتوانند به صورت مستقیم به نیاز بنگاه‌های اقتصادی و شرکت‌ها پاسخ دهند.

ابزار سوم نیز #171؛ «خرید و فروش دین» است. در هر اقتصادی بخشی از معاملات به صورت نسبی انجام می‌گیرد. تولیدکننده‌ها مجبورند به نماینده‌های فروش به صورت مدت‌دار جنس بفروشند. عمده‌فروش‌ها به خرده‌فروش‌ها و خرده‌فروش‌ها هم مجبورند بخشی از محصولاتشان را به صورت نسبی به خانوارها بفروشند. در این حالت گاه فروشنده که کالای خود را به صورت نسبی فروخته به پول نقد احتیاج پیدا می‌کند. قبلاً این امکان نبود که وی بتواند به بانک مراجعه کند و اسناد طلب خود را تبدیل به پول نقد کند. اما قرارداد خرید این امکان را برای بنگاه‌های اقتصادی فراهم می‌کند که اسناد مدت‌دار خود را در بانک تبدیل به پول نقد کنند.

این عقود جدید بانکی چه موقع اجرایی می‌شود؟

اجرایی شدن این عقود منوط به تصویب آیین‌نامه‌ها در هیأت وزیران است.

الان آیین‌نامه‌های این عقود در بانک مرکزی در حال نوشتن است. بعد از بانک مرکزی به هیات دولت پیشنهاد می‌شود بعد از تصویب نهایی دولت در اختیار نظام بانکی قرار می‌گیرد.

تصویب برنامه پنجم از چند جهت در رسیدن به مدل بانکداری در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به ما کمک می‌کند. مثلاً ماده 86 بحث الگوها را مطرح کرده و این که بانک مرکزی و نظام بانکی باید بتوانند متناسب با شرایط اقتصادی امروز بانک‌های مختلفی از جمله بانک قرض‌الحسنه را طراحی کند.

ماده 92 نیز می‌تواند نرخ‌های سود بانکی را به سمت عادلانه شدن هدایت کند. ماده 96 نظام بانکی را متناسب با شرایط روز منسجم می‌کند و تحت کنترل بانک مرکزی قرار می‌دهد.

در بند ب ماده 97 بحث استفاده از مسکوک و ابزارهای تامین مالی اسلامی جدید مطرح شده و ماده 98 نیز ابزارهای جدیدی را به قانون عملیات بانکی بدون ربا اضافه می‌کند. لذا اجرای این مواد را گامی به سوی اجرای مدل جدید بانکداری متناسب با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت محسوب می‌کنیم که دست‌کم عزم لازم را برای حرکت به سوی اصلاح نظام بانکداری کشور ایجاد کرده است.

سیدعلی دوستی موسوی / گروه اقتصاد